

بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۳

نادیا رستمی*

چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر تهران می‌پردازیم. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که مذهب و نیز آموزه‌های اخلاقی آن، سبب سازگاری بیشتر و بهتر دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، پژوهش‌ها حاکی از آن است که هوش هیجانی با سلامت روانی، سازگاری و اخلاقیات نیز مرتبط است. این پژوهش نشان می‌دهد که هوش هیجانی نیز با وضعیت مذهبی دارای رابطه همبستگی مثبت و معنی‌دار است. نمونه پژوهش شامل ۴۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر پیش‌دانشگاهی از مناطق ۴ و ۱۱ و ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران است که با روش نمونه‌گیری هدفدار انتخاب شده‌اند. روش پژوهش از نوع همبستگی است. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه سنجش وضعیت مذهبی دانش‌آموزان جوان و پرسشنامه هوش هیجانی بار-اون است که درباره دانش‌آموزان اجرا شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و نتیجه نشان داده است که وضعیت مذهبی دانش‌آموزان با هوش هیجانی آنان رابطه مثبت معنادار دارد. بنابراین آموزش دادن مسائل مذهبی و اصول اخلاقی روشی مکمل در آموزش هوش هیجانی به دختران و پسران پیش‌دانشگاهی است و زندگی بهتر را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

کلید واژه‌ها: وضعیت مذهبی، هوش هیجانی، دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی.

*. کارشناس ارشد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

مقدمه

طی سالهای اخیر، در حوزه‌های تحقیق در روانشناسی، هوش هیجانی^۱ مورد توجه قرار گرفته است. این نوع هوش در چگونگی سازگاری و موفقیت افراد نقشی مهم ایفا می‌کند. نظریه هوش هیجانی (سالوی و مایر، ۱۹۹۰)، حوزه وسیعی از تواناییهای مرتبط با شناخت و به کارگیری هیجانات را می‌تواند توجیه کند. این سازه روانی (روون بار - اون، ۱۹۹۷ و دانیل گلمن، ۱۹۹۵) از جهات انگیزشی و مناسبات درون فردی و میان فردی مورد تحقیق قرار گرفته است. برخی از روان‌شناسان از جمله روون بار - اون و جیمز پارکر (۲۰۰۰)، رابطه هوش هیجانی را با پنج مؤلفه شخصیتی یعنی روان نژندی و برون‌گرایی و گشادگی در مقابل تجربه و پذیرندگی و آگاهی‌مداری نیز بررسی کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد، مذهبی‌بودن و روحیه و رفتار دینی داشتن نیز باید بخشی از ویژگیهای شخصیت به حساب آید و به مطالعه رابطه آن با سایر سازه‌های روانی پرداخته شود. لازم است بدانیم در موضوع مهم و جدیدی چون هوش هیجانی، مذهبی بودن چه جایگاهی دارد و رابطه این دو سازه روانی چگونه است. اگر آن گونه که بار - اون (به نقل از جلالی، ۱۳۸۱) و گلمن (۱۳۸۲) معتقدند هوش هیجانی با سلامت روانی، سازگاری و اخلاقیات مرتبط باشد، باید مشخص شود که این امر تا چه اندازه با وضعیت مذهبی^۲ نیز ارتباط دارد. زیرا، روان‌شناسان دیگر از جمله یونگ (به نقل از کرافورد، ۲۰۰۲) نیز به نقش و تأثیر مثبت مذهب در زندگی اعتقاد دارند. در پژوهش حاضر به بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران پرداخته‌ایم. علاوه بر این، در این پژوهش به مقایسه پسران و دختران در وضعیت مذهبی و هوش هیجانی نیز توجه کرده و به دو سؤال زیر نیز پاسخ داده‌ایم:

۱. آیا در وضعیت مذهبی و مؤلفه‌های آن میان پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد؟

۲. آیا در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن میان پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد؟

روان‌شناسان بزرگ از جمله یونگ (به نقل از کرافورد، ۲۰۰۲) و اریکسون (به نقل از قبادی، تاجیک اسماعیلی، سلامی، جلد اول، ۱۳۸۲) و آلپورت (به نقل از صادقی‌جانپان، ۱۳۷۹) به نقش و تأثیر مثبت مذهب بر زندگی افراد پرداخته و آن را معنادار می‌دانند. مطالعاتی که اتچلی (۲۰۰۲) نیز در مورد جوانان انجام داد، سودمند بودن مذهب را در زندگی آنان نشان داد. در تحقیق او مشخص شد که مذهب عاملی بازدارنده در برابر بسیاری از آسیب‌هاست. نونیمیکر، مکنتلی و بلوم (۲۰۰۳) در تحقیقی که با هدف بررسی رابطه میان دینداری با سلامت نوجوانان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که دینداری در برابر اعمالی مثل سیگارکشیدن، نوشیدن الکل و مصرف ماری‌جوانا و برقراری روابط جنسی نامتعارف از نوجوانان محافظت می‌کند. مالتبی ودی (۲۰۰۴) در تحقیقی به بررسی رابطه میان دینداری و بهداشت روانی پرداخته است. در این تحقیق، مشاهده شده است که مذهب، سطح بهداشت روانی را افزایش می‌دهد. تحقیقات سهراییان (۱۳۷۹) و خلیلی (۱۳۷۹) نیز نشان می‌دهد که میان نگرش مذهبی و سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

همچنین، روان‌شناسانی که در حوزه هوش هیجانی مطالعه کرده‌اند، هوش هیجانی را عاملی مهم در زندگی افراد به شمار آورده و استفاده از اصول مذهبی و اخلاقی را در رشد و پیشرفت آنان متذکر شده‌اند. همین‌طور گراناچر (۲۰۰۰) معتقد است که رشد و تحول اخلاقی که طی انجام دادن اعمال مذهبی روی می‌دهد، در رشد هوش هیجانی نقش مهمی دارد. محدوده‌ای که هوش هیجانی در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، به حد و مرزهای اخلاقی نیاز دارد. بدون وجوه گستره اخلاقی که افراد را در استفاده از استعدادهایشان راهنمایی می‌کند، هوش هیجانی را می‌توان به منظور رسیدن به اهداف عالی یا دانی به کار گرفت. مراکز مذهبی نقشی مهم و زیاد در آموزش و رشد اخلاقی ایفا می‌کنند. بنابراین، به طور غیرمستقیم هوش هیجانی ما را ارتقاء می‌بخشند.

گلمن هوش هیجانی را چنین تعریف می‌کند: هوش هیجانی نوع دیگری از هوش و حاکی از شناخت احساسات خویش و استفاده از آن برای اتخاذ کردن تصمیم‌های مناسب در زندگی است. هوش هیجانی توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانشهاست. هوش هیجانی عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف در شخص انگیزه و امید ایجاد می‌کند. هوش هیجانی حاکی از همدلی، یعنی آگاهی یافتن از احساسات افراد پیرامون ما، نیز هست. مهارت اجتماعی نیز که به معنای سهولت برقرار کردن ارتباط با مردم و کنترل هیجانهای خویش در رابطه با دیگران و توانایی تشویق و هدایت آنان است، یکی دیگر از تعاریف هوش هیجانی است (جلالی، ۱۳۸۱). پاتریک فاگان (۱۹۹۶)، به نقل از گراناچر، (۲۰۰۰) تأثیرات اعمال مذهبی را بر ثبات اجتماعی از جمله این نقش‌های مهم می‌شمارد و استحکام نهاد خانواده و رهایی از فقر و شکل‌گیری معیارهای اخلاقی محافظت‌کننده در برابر مشکلاتی از قبیل خودکشی، سوء مصرف مواد دارویی و آبستگی غیرقانونی را حاصل مذهبی بودن می‌داند. بالا بودن سطح بهداشت روانی فرد، کم شدن افسردگی در او، به دست آوردن عزت نفس و خشنودی در روابط زناشویی که عوامل مهمی در زیاد شدن طول عمر شخص و امکان بهبودی از بیماری و کاهش یافتن ابتلا به بیماریهای کشنده است، ممکن است ناشی از وجود باورهای مذهبی در شخص باشد. همچنین، هالستید (۲۰۰۳) ایجاد شدن هوش هیجانی را از طریق آموزش مسائل مذهبی امکان‌پذیر می‌داند. استراتون وراید (۲۰۰۳)، براساس تحقیقات خود، سوادآموزی هیجانی را برای کاهش مشکلات رفتاری و ناسازگاری و بزهکاری توصیه کرده‌اند. موریاتی و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند که بزهکاری جنسی با هوش هیجانی پایین در ارتباط است. در مطالعه ترنیداد و همکاران (۲۰۰۴) مشخص شد که نوجوانانی که از هوش هیجانی بالا برخوردارند، در رد کردن تعارف به سیگار موفق‌ترند. برگر نیز، با تبیین واقع‌گرایانه، ارتباط قوی میان همدلی و پاک‌نهادی را نشان داده است (اسمیت، ۱۹۷۳).

متون مربوط به جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهد که با هر معیار بسنجیم، زنان مذهبی‌تر از مردان هستند. بر اساس مطالعاتی که در کشورهای گوناگون با انواع ابزارهای سنجش دینداری صورت گرفته است، زنان مذهبی‌تر از مردان هستند (اسدی و همکاران، ۱۳۵۹؛ محسنی، ۱۳۷۵؛ محسنی، ۱۳۷۶؛ شورای عالی جوانان، ۱۳۷۸؛ به نقل از طالبان ۱۳۷۷). طالبان (۱۳۸۰) در تحقیق خود چنین نتیجه گرفته است که در زمینه

اعتقادات، میان دو گروه از دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی، در بعد مناسک دینی یعنی تقید و پایبندی به نماز و روزه، میان دو گروه پسران و دختران دانش‌آموز، از نظر آماری، تفاوت معنادار وجود دارد و دختران بیش از پسران به مناسک دینی پایبند هستند. این الگو یعنی تعلقات مذهبی بیشتر و معنادار دختران نسبت به پسران در سایر ابعاد دینداری، یعنی تجربه دینی و اهمیت دین در زندگی و همچنین دینداری در معنای کلی آن، نیز مشاهده می‌شود. طالبان (۱۳۷۷) در تحقیق دیگری به این نتیجه رسیده که میانگین نمره دینداری کل دختران معادل ۱۳/۹ و پسران برابر با ۱۲/۹ است، که در سطح بسیار بالای آماری ($P < 0/000$) معنادار بود ($n=354$). این نتیجه، یعنی دینداری بیشتر دختران در مقایسه با پسران، در همه ابعاد دینداری (اعتقادی، مناسک دینی، تجربه دینی، پیامدی و دانش دینی) نیز صدق می‌کند. در تحقیق شمسیان (۱۳۷۱) نیز این نتیجه به دست آمد که دختران در مقایسه با پسران گرایش بیشتری به ارزشهای مذهبی دارند.

در مورد جنسیت و هوش هیجانی، بر اساس تحقیق دهشیری (۱۳۸۲) تفاوتی میان زنان و مردان در نمره کلی هوش هیجانی مشاهده نشده و فقط تفاوت‌های کوچک معنادار برای تعداد کمی از مؤلفه‌های این سازه وجود داشته است. بر اساس مطالعه گروه هنجاریابی در مهارت‌های میان فردی، زنان قوی‌تر از مردان بودند و در مقابل مردان توانایی درون فردی بالاتر داشتند، در مقابله با فشار قوی‌تر بودند و سازگاری-پذیری بیشتری داشتند. بار - اون (۲۰۰۰) معتقد است، زنان نسبت به مردان آگاهی بیشتری از هیجانات دارند، همدلی بیشتری نشان می‌دهند، روابط میان فردی بهتر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری دارند. در مقابل، مردان عزت نفس و استقلال رأی بیشتری دارند و در مقابل دشواریهای زندگانی از خود سازگاری بیشتری نشان می‌دهند و انعطاف‌پذیرترند، مسائل را بهتر حل می‌کنند و نسبت به زنان خوشبین‌ترند. تفاوت‌های معنادار مشابهی میان زنان و مردان در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط میان فردی و تحمل فشار، تقریباً در تمام نمونه‌های جمعیتی که هوشبهر هیجانی آنان تا به امروز در گوشه و کنار جهان مورد ارزشیابی قرار گرفته‌اند، مشاهده شده است. طبق یافته‌های انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۹۹۴)، کمبودهای مردان در مهارت‌های میان فردی، به ویژه در حوزه همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احتمالاً بیانگر این نکته است که جامعه‌ستیزی در مردان، با فراوانی بیشتری نسبت به زنان، مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، پایین بودن معنادار تحمل فشار عصبی در زنان احتمالاً بیانگر این نکته است که زنان، در مقایسه با مردان، بیشتر مبتلا به اضطراب وابسته به اختلالات می‌شوند. در تحقیقی که زارع (۱۳۸۰) انجام داد، نتایج حاصل از این تحقیق، در زمینه تأثیر جنس به نمرات پرسشنامه بهره‌هیجانی، نشان داد که در نمره کل هوش هیجانی میان دو جنس مخالف تفاوت معنادار وجود ندارد. اما تفاوت معنادار میان دو جنس مخالف، در خرده مقیاس‌های خودآگاهی هیجانی، همدلی، روابط میان فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در سطح ۰/۰۱ و به نفع دختران وجود دارد. همچنین، در خرده مقیاس‌های قاطعیت، عزت نفس، استقلال رأی، انعطاف‌پذیری، تحمل فشار عصبی و خوش بینی شاهد وضعیت بالاتر پسران در سطح معناداری ۰/۰۱ هستیم اما در خرده مقیاس‌های خودشکوفایی و واقعیت آزمایی و کنترل تکانه و شادکامی تفاوت معنادار وجود ندارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و شیوه نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه آماری همه دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شاخه نظری مراکز عادی - دولتی تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ هستند. باتوجه به جمعیت جامعه آماری که بر حسب آمارهای ارائه شده از طریق اداره آموزش و پرورش، ۶۲۶۹۸ دانش‌آموز هستند و با مراجعه به جدول کرجی و مورگان (۱۹۷۰)، ۳۸۰ دانش‌آموز در حکم نمونه برآورد شده که با در نظر گرفتن اُفت آزمودنی، ۴۵۰ دانش‌آموز به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفدار استفاده شده که به منظور تعمیم بیشتر نتایج ابتدا با مراجعه به نقشه پراکندگی شهر تهران خط سیر تحقیق از شمال شرق به جنوب غرب در نظر گرفته شده است. سپس، سه منطقه از مناطق آموزشی شهر تهران یعنی به ترتیب مناطق ۴، ۱۱ و ۱۸ انتخاب شده و باتوجه به عده کل دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، در هر منطقه و عده دختران و پسران آن منطقه سهم هریک از مناطق مشخص شده است. از منطقه ۴، دو مرکز پیش‌دانشگاهی دخترانه و دو مرکز پیش‌دانشگاهی پسرانه، از منطقه ۱۱، یک مرکز پیش‌دانشگاهی دخترانه و یک مرکز پیش‌دانشگاهی پسرانه و از منطقه ۱۸ نیز یک مرکز پیش‌دانشگاهی دخترانه و یک مرکز پیش‌دانشگاهی پسرانه انتخاب شده است. سپس، از هر مرکز، چند کلاس به گونه تصادفی انتخاب شده و تحقیق در مورد آنان به اجرا درآمده است.

ابزارهای پژوهش و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، از پرسشنامه سنجش وضعیت مذهبی دانش‌آموزان جوان و پرسشنامه هوش هیجانی باراون استفاده شده است. پایایی^۴ و روایی^۵ پرسشنامه سنجش وضعیت مذهبی دانش‌آموزان جوان را لطف‌آبادی (۱۳۸۱) در دو تحقیق ملی احراز کرده است. روشهای شناخته شده محاسبه پایایی شامل آلفای کراباخ^۶، روش دو نیمه کردن^۷، شکل معادل^۸ و شکل معادل دقیق^۹ برای تعیین ضریب پایایی مورد استفاده قرار گرفته است که مقادیر پایایی با روشهای گوناگون و برای مجموعه خرده مقیاسهای آزمون در اندازه‌های مربوط به کل کشور معادل ۰/۸۲ به دست آمده است. روایی آزمون مذکور نیز از دو طریق احراز شده است، روایی محتوا و روایی سازه با استفاده از نظر متخصصان و روایی عاملی با اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در مورد سئوالات پرسشنامه. در زمینه بررسیهای روایی محتوا و روایی سازه ۲۱ سؤال آزمون معادل ۷۵۵ نمره از ۱۰۵۰ (۱۰×۵×۲۱) نمره یعنی معادل ۷۲ درصد به دست آمده است. بررسیها نشان داده است که گویه‌های آزمون حداقل ۶۲٪ و حداکثر ۹۰٪ روایی دارند. می‌دانیم دستیابی به روایی محتوایی، که بنا بر نظر متخصصان محاسبه می‌شود، سخت‌گیرانه‌ترین نوع روایی است که در مورد «پرسشنامه سنجش وضعیت مذهبی دانش‌آموزان جوان» برابر با ۷۲٪ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی آزمون مذکور با استفاده از روش آلفای کراباخ ۰/۸۱ به دست آمده است. در تحقیقی که باراون (۱۹۹۷)، به نقل از

دهشیری، ۱۳۸۲) در مورد ضریب بازآزمایی هوشبهر هیجانی در نمونه آفریقایی جنوبی انجام داده بود، میانگین ضرایب پایایی بعد از یک ماه ۰/۸۵ و بعد از چهار ماه ۰/۷۵ بود. همچنین پایایی و روایی پرسشنامه هوش هیجانی باراون را دهشیری با استفاده از روش بازآزمایی و تحلیل عاملی اکتشافی تأیید کرده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی و از آزمون تی برای دو گروه مستقل جهت مقایسه پسران و دختران در وضعیت مذهبی و مؤلفه‌های آن و همین‌طور هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن استفاده شده است.

نتایج

• با استفاده از اطلاعات توصیفی آزمودنیها مشخص شد که ۶۸٪ آزمودنیها دختر و ۳۲٪ آنان پسر است. به منظور بررسی رابطه وضعیت مذهبی دانش‌آموزان با هوش هیجانی آنان از روش همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

همان گونه که از جدول استنتاج می‌شود، میزان همبستگی میان وضعیت مذهبی با هوش هیجانی برابر با $r=0/18$ است که این میزان از همبستگی از لحاظ آماری در سطح $(p=0/001)$ معنادار است. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید شد و فرضیه صفر رد شد. به این ترتیب می‌توان گفت که وضعیت مذهبی با هوش هیجانی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی رابطه مثبت معنادار دارد. از جدول استنتاج می‌شود که از میان مؤلفه‌های وضعیت مذهبی فقط سخت‌گیری مذهبی است که با هوش هیجانی همبستگی معنادار ندارد $(p=0/92)$ و همبستگی بقیه مؤلفه‌ها با هوش هیجانی در سطح $(p=0/001)$ معنادار است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی میان وضعیت مذهبی و مؤلفه‌های آن با هوش هیجانی

وضعیت مذهبی	سخت‌گیری مذهبی	عمل مذهبی	اعتقاد مذهبی	سهل‌گیری مذهبی
سخت‌گیری مذهبی	۰/۷۳			
عمل مذهبی	۰/۸۶	۰/۵۱		
اعتقاد مذهبی	۰/۶۵	۰/۳۹	۰/۳۹	
سهل‌گیری مذهبی	۰/۷۸	۰/۳۵	۰/۵۸	۰/۳۵
هوش هیجانی	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۶

- به منظور مقایسه پسران و دختران در وضعیت مذهبی و مؤلفه‌های آن از آزمون تی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون t برای مقایسه وضعیت مذهبی و مؤلفه‌های آن میان پسران و دختران

متغیر	جنس	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنادار
وضعیت مذهبی	پسر	۸۸/۲۲	۱۶/۵۳	-۲/۲۴	۴۳۶	۰/۰۲
	دختر	۹۱/۵۵	۱۳/۴۴			
سختگیری مذهبی	پسر	۱۵/۷۳	۴/۸۶	-۰/۸۴	۴۳۶	۰/۴
	دختر	۱۶/۱۴	۴/۶۲			
عمل مذهبی	پسر	۲۵/۹۷	۶/۱۴	-۰/۹۹	۴۳۶	۰/۳۲
	دختر	۲۶/۵۶	۵/۳۸			
اعتقاد مذهبی	پسر	۲۷/۴۰	۳/۵۹	-۰/۹۴	۴۳۶	۰/۳۵
	دختر	۲۷/۷۰	۲/۹۳			
سهل‌گیری مذهبی	پسر	۲۰/۰۱	۵/۴۴	-۲/۵۰	۴۳۶	۰/۰۲
	دختر	۲۱/۳۴	۴/۸۲			

همان گونه که از جدول ۲ استنتاج می‌شود، میزان تی محاسبه شده برای مقایسه وضعیت مذهبی با درجه آزادی $df=436$ برابر با $t=-2.24$ است که از لحاظ آماری در سطح $(p=0.02)$ معنادار است. بنابراین، می‌توان گفت که دختران، به طور معنادار بیشتر از پسران مذهبی هستند. همچنین، در جدول شماره ۲، نتایج آزمون تی برای مقایسه مؤلفه‌های وضعیت مذهبی نیز ارائه شده است. آمارهای ارائه شده در جدول نشان می‌دهد که میزان تی محاسبه شده در مورد سهل‌گیری مذهبی در سطح $(P=0.02)$ معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سهل‌گیری مذهبی دختران به طور معنادار، بیشتر از پسران است. نتایج آزمون تی در مورد سختگیری مذهبی، عمل مذهبی و اعتقاد مذهبی معنادار نیست. بنابراین، در این مؤلفه‌ها تفاوتی میان دو جنس وجود ندارد.

• به منظور مقایسه پسران و دختران در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن از آزمون تی استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تی برای مقایسه هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن بین پسران و دختران

متغیر	جنس	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنادار																																														
هوش هیجانی کلی	پسر	۴۴۸/۷۷	۴۹/۹۷	-۱/۷۷	۴۳۶	۰/۰۷																																														
	دختر	۴۵۷/۹۷	۵۱/۰۷				هوش هیجانی درونی فردی	پسر	۱۳۶/۳۶	۱۶/۴۷	-۰/۹۲	۴۳۶	۰/۳۵	دختر	۱۳۸/۰۴	۱۸/۵۱	هوش هیجانی میان فردی	پسر	۱۰۲/۹۶	۱۴/۷۴	-۴/۲۵	۴۳۶	۰/۰۱	دختر	۱۰۸/۷۸	۱۲/۶۷	هوش هیجانی سازگاری	پسر	۸۶/۹۶	۱۰/۷۶	-۲/۳۲	۴۳۶	۰/۰۲	دختر	۸۹/۵۹	۱۱/۲۵	هوش هیجانی مقابله با فشارعصبی	پسر	۵۸/۹۸	۱۰/۲۲	۱/۰۲	۴۳۶	۰/۳۰	دختر	۵۷/۸۱	۱۱/۶۱	هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶
هوش هیجانی درونی فردی	پسر	۱۳۶/۳۶	۱۶/۴۷	-۰/۹۲	۴۳۶	۰/۳۵																																														
	دختر	۱۳۸/۰۴	۱۸/۵۱				هوش هیجانی میان فردی	پسر	۱۰۲/۹۶	۱۴/۷۴	-۴/۲۵	۴۳۶	۰/۰۱	دختر	۱۰۸/۷۸	۱۲/۶۷	هوش هیجانی سازگاری	پسر	۸۶/۹۶	۱۰/۷۶	-۲/۳۲	۴۳۶	۰/۰۲	دختر	۸۹/۵۹	۱۱/۲۵	هوش هیجانی مقابله با فشارعصبی	پسر	۵۸/۹۸	۱۰/۲۲	۱/۰۲	۴۳۶	۰/۳۰	دختر	۵۷/۸۱	۱۱/۶۱	هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶	۰/۸	دختر	۶۳/۷۴	۹/۶۶						
هوش هیجانی میان فردی	پسر	۱۰۲/۹۶	۱۴/۷۴	-۴/۲۵	۴۳۶	۰/۰۱																																														
	دختر	۱۰۸/۷۸	۱۲/۶۷				هوش هیجانی سازگاری	پسر	۸۶/۹۶	۱۰/۷۶	-۲/۳۲	۴۳۶	۰/۰۲	دختر	۸۹/۵۹	۱۱/۲۵	هوش هیجانی مقابله با فشارعصبی	پسر	۵۸/۹۸	۱۰/۲۲	۱/۰۲	۴۳۶	۰/۳۰	دختر	۵۷/۸۱	۱۱/۶۱	هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶	۰/۸	دختر	۶۳/۷۴	۹/۶۶																
هوش هیجانی سازگاری	پسر	۸۶/۹۶	۱۰/۷۶	-۲/۳۲	۴۳۶	۰/۰۲																																														
	دختر	۸۹/۵۹	۱۱/۲۵				هوش هیجانی مقابله با فشارعصبی	پسر	۵۸/۹۸	۱۰/۲۲	۱/۰۲	۴۳۶	۰/۳۰	دختر	۵۷/۸۱	۱۱/۶۱	هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶	۰/۸	دختر	۶۳/۷۴	۹/۶۶																										
هوش هیجانی مقابله با فشارعصبی	پسر	۵۸/۹۸	۱۰/۲۲	۱/۰۲	۴۳۶	۰/۳۰																																														
	دختر	۵۷/۸۱	۱۱/۶۱				هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶	۰/۸	دختر	۶۳/۷۴	۹/۶۶																																				
هوش هیجانی خلق کلی	پسر	۶۳/۵۱	۱۰	-۰/۲۴	۴۳۶	۰/۸																																														
	دختر	۶۳/۷۴	۹/۶۶																																																	

همان طور که از جدول ۳، استنتاج می‌شود، میزان تی محاسبه شده با درجه آزادی $df=436$ برابر با $t=-1/77$ است که از لحاظ آماری معنادار نیست، $(P=0/07)$ ، بنابراین، در هوش هیجانی کلی پسران و دختران تفاوتی معنادار ندارند. در جدول شماره ۳، نتایج آزمون تی برای مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی نیز ارائه شده است. چنانچه از جدول استنتاج می‌شود، میزان تی محاسبه شده در مورد هوش هیجانی میان فردی در سطح $(P=0/01)$ معنادار است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی میان فردی

دختران، به طوری معنادار، بیشتر از پسران است. همچنین، میزان تی محاسبه شده در مورد هوش هیجانی سازگاری نیز در سطح ($P=0/02$) معنادار است و نتیجه گرفته می‌شود که هوش هیجانی سازگاری دختران، به طور معنادار، بیشتر از پسران است. نتایج آزمون تی در مورد هوش هیجانی درون فردی، مقابله با فشار عصبی و خلق کلی معنادار نیست. بنابراین، در این مؤلفه‌ها، تفاوتی میان دو جنس وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

• این پژوهش، با هدف تعیین رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، انجام پذیرفت. براساس نتایج به دست آمده، همان طور که انتظار می‌رفت، میان وضعیت مذهبی با هوش هیجانی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه با تحقیقاتی که در زمینه رابطه مذهب و هوش هیجانی با سازگاری فردی و اجتماعی، سلامت روان و اخلاقیات انجام گرفته است، یعنی تحقیقات اتچلی (۲۰۰۲)؛ نونیمیکر، مکنلی و بلوم (۲۰۰۳)؛ مالتبی و دی (۲۰۰۴)؛ سهرابیان (۱۳۷۹)؛ خلیلی (۱۳۷۹)؛ استراتون و رایید (۲۰۰۳)؛ موریاتی، استوگ، تید مارش، ایگر و دنیسون (۲۰۰۱)؛ ترنیداد، یونگر، چو و جانسون (۲۰۰۴) و برگر (به نقل از اسمیت، ۱۹۷۳) همخوانی دارد. همچنین، در این پژوهش مشخص شد که در میان مؤلفه‌های وضعیت مذهبی و عمل مذهبی همبستگی بیشتری با هوش هیجانی وجود دارد. این نتایج بیانگر آن است که مذهب و عمل مذهبی نقشی اساسی در ثبات اجتماعی و زندگی سالم اشخاص دارد. گراناچر (۲۰۰۰) معتقد است که اعمال مذهبی و اصول اخلاقی در استفاده و رشد هوش هیجانی نقشی مهم دارند و شواهد فراوانی نیز در این مورد وجود دارد. پاتریک فاگان (۱۹۹۶)، به نقل از همان منبع) نیز تأثیرات اعمال مذهبی بر ثبات اجتماعی فرد را مهم می‌شمارد. هالستید (۲۰۰۳) نیز رشد دادن هوش هیجانی را از طریق آموزش مسائل مذهبی امکان‌پذیر می‌داند و معتقد است که هوش هیجانی برای حس سعادت و سلامت در جامعه بسیار لازم و ضروری است. بنابراین، با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه، می‌توان گفت که رشد و تحول اخلاقی حاصل از انجام دادن اعمال مذهبی، در فرایند شناسایی و کنترل هیجانات و رشد هوش هیجانی نقشی فوق‌العاده مهم دارند. در واقع، مذهب و اخلاقیات از بروز بسیاری از نابهنجاری فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کنند، اما، نکته مهم در مورد هوش هیجانی این است که بنا به عقیده دکتر پوسانت (به نقل از گراناچر، ۲۰۰۰) همان‌گونه که یک فرد نابغه می‌تواند از هوش به منظور درمان سرطان یا طراحی یک ویروس مرگبار استفاده کند، فردی که بیش همدلانه زیادی دارد، نیز می‌تواند از آن به منظور برانگیختن همکاران یا بهره‌کشی از آنان استفاده کند. بدون وجود گستره‌ای اخلاقی که افراد را در استفاده از استعدادهایشان راهنمایی کند، هوش هیجانی را نیز می‌توان به منظور اهداف عالی یا دانی به کار گرفت. اینجاست که نقش مذهب آشکار می‌شود. محدوده‌ای که هوش هیجانی در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، نیاز به حد و مرزهای اخلاقی دارد و آشکار است که مذهب نقشی مهم و فوق‌العاده در آموزش و رشد اخلاقی ایفا می‌کند و می‌تواند به طور غیرمستقیم، هوش هیجانی را ارتقاء دهد.

• این پژوهش نشان داده است که دختران در نمره کلی وضعیت مذهبی در سطح بالاتری از پسران قرار دارند. این نتیجه با تحقیقات (اسدی و همکاران، ۱۳۵۹؛ محسنی، ۱۳۷۵؛ محسنی، ۱۳۷۶؛ شورای عالی جوانان، ۱۳۷۸؛ به نقل از طالبان ۱۳۷۷)، طالبان (۱۳۸۰ و ۱۳۷۷) و شمسیان (۱۳۷۱) همخوانی دارد. در این مورد، با توجه به اینکه متفکران مسلمان رکن اساسی تدین اسلامی را اعتقاد به خداوند می‌دانند، از این رو در دین اسلام، اعتقاد به خداوند اصلی‌ترین باور در نظام اعتقادی است و نیز در این اعتقاد دینی (تصدیق وجود خداوند) مدل‌های نظری دامنه‌ای گسترده دارند و با مجموعه‌ای عظیم از اعتقادات همسته‌اند. بنابراین، صرف اعتقاد به این گزاره، شخص را لاجرم به تصدیق یا تکذیب مجموعه‌ای از گزاره‌ها وامی‌دارد. به این ترتیب، نظامی از اعتقادات دینی بنا می‌شود.

• بنابر یافته‌های این تحقیق، تقریباً همه جوانان دانش‌آموز معتقد به خداوند هستند و مذهبی و مسلمان محسوب می‌شوند. ولی اینکه چرا دختران در مقایسه با پسران مذهبی‌تر هستند بنا بر نظریه شمسیان (۱۳۷۱)، تعامل عوامل فرهنگی و اجتماعی، انگیزه‌ها و نیازهای متفاوت دختران و پسران یا محدودیت نقش دختران در ایفای مسئولیتهای اجتماعی، علت این تفاوت است. شاید از دلایل احتمالی دیگر، بتوان ارتباط بیشتر دختران با مادرانشان یا اعمال روشهای تربیتی متفاوت والدین، با فرزندان دختر و پسر را ذکر کرد. مثلاً اعمال محدودیت بیشتر یا تربیت سنتی در مورد دختران در مقایسه با آزادی بیشتر برای پسران و یا بالاتر بودن کارآمدی معلمان زن در مقایسه با معلمان مرد برای تربیت دینی سبب به وجود آمدن این تفاوت در میان دختران و پسران شده است. به علاوه، در این پژوهش، مشخص شده است که از میان مؤلفه‌های وضعیت مذهبی، دختران در مورد مؤلفه سهل‌گیری مذهبی نمره بالاتری دارند و در سایر مؤلفه‌های وضعیت مذهبی تفاوت معنادار میان پسران و دختران وجود ندارد. از دلایل احتمالی اینکه دختران با وجود مذهبی‌تر بودن، سهل‌گیری مذهبی بیشتری دارند، ممکن است این باشد که دختران، از روی عادت، پایبند به اعمال مذهبی هستند یا اینکه همان دلایل گفته شده یعنی محدودیتها، تربیت سنتی، رغبتها، نیازهای متفاوت و... موجب می‌شود که دختران از روی اجبار و ناخواسته به مسائل مذهبی روی آورند و در نتیجه نسبت به امور مذهبی خود با بی‌توجهی و بی‌فیدی برخورد کنند.

• از این گذشته، در این پژوهش، مشخص شده است که در نمره کلی هوش هیجانی تفاوتی معنادار میان پسران و دختران وجود ندارد. این نتیجه با تحقیقات دهسیری (۱۳۸۲) و زارع (۱۳۸۰) همخوانی دارد. در مورد این سؤال می‌توان گفت که چون خرده مقیاسهای متفاوت بر یکدیگر اثر جبرانی دارند، از این رو، تفاوتی معنادار میان پسران و دختران در نمره هوش هیجانی کلی مشاهده نمی‌شود. همچنین، مشخص شده است که از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی، دختران در مؤلفه هوش هیجانی میان‌فردی و هوش هیجانی سازگاری نمره بالاتری از پسران دارند و در سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی، تفاوتی معنادار میان پسران و دختران وجود ندارد. همچنین، در مورد تفاوت میان دو جنس مخالف در خرده مقیاسهای هوش هیجانی، می‌توان چنین گفت که اظهار نظر قطعی در مورد تأثیر جنسیت در نمرات هوش هیجانی نیازمند تحقیقات بیشتر است. اما، از آنجا که هوش هیجانی پدیده‌ای اکتسابی است (گلمن، ۱۳۸۲)، به نظر می‌رسد که

انتظارات اجتماع و خانواده از پسران و دختران، به بروز تفاوت‌هایی در آنها از نظر توانمندیهای گوناگون هوش هیجانی می‌انجامد. افزون بر این، تفاوت پسران و دختران در تجارب اولیه مربوط به رشد امکان دارد، به رشد توانمندیهای متفاوت هوش هیجانی بینجامد.

نتایج این پژوهش را می‌توان در اختیار والدین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار داد، تا آنان بتوانند با آموزش دادن صحیح امور مذهبی و تعالیم اخلاقی برگرفته از آن، به عنوان مکمل آموزش هوش هیجانی، به ثبات اجتماعی، سازگاری و رشد معنوی دانش‌آموزان کمک کنند و با ایجاد کردن فضای مناسب و سالم در خانه و مدرسه زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر را سالم، دلپذیر و پربار گردانند.

منابع

- جلالی، سیداحمد (۱۳۸۱). هوش هیجانی. نشریه پژوهشکده تعلیم و تربیت، فصلنامه تعلیم و تربیت. وزارت آموزش و پرورش. سال هجدهم، شماره ۲-۱، صص ۸۹-۱۰۳.
- خلیلی، ترابعلی (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین نگرش مذهبی و سازش یافتگی اجتماعی دانش‌آموزان سال دوم متوسطه ناحیه ۲ شهرستان اراک. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار - اون در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و بررسی ساختار عاملی آن. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- زارع، علی (۱۳۸۰). مقایسه سهم هوش هیجانی و هوش عمومی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهر شیراز. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- سهرابیان، طاهره (۱۳۷۹). بررسی رابطه نگرش مذهبی و میزان سازگاری فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- شمسیان، داود (۱۳۷۱). بررسی سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر شهر تهران. سلام، ص ۵.
- صادقی، جانبهان، محمود (۱۳۷۹). منشأ دین از دیدگاه آپورت، فروید، جیمز، گیسلر، فروم، و یاسپرس. نشریه روان شناسی دین، ماهنامه (علمی، آموزشی، تحلیلی). سال اول، شماره ۳، صص ۲۷-۳۷.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۷). گزارش طرح پژوهشی سنجش دینداری و گرایش جوانان دانش‌آموز نسبت به نماز. آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰). دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

قبادی، خسرو؛ تاجیک اسمعیلی، عزیزالله؛ و سلامی، رضا (گردآورندگان). (۱۳۸۲). مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد اول. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم.

گلمن، دانیل (۱۳۸۲). هوش هیجانی، تواناییهای محبت کردن و محبت دیدن، ترجمه نسرين پارسا. چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. تهران: سازمان ملی جوانان.

Atchley, R. C. (2002). The subjective importance of being religious and its effect on health and morale. *Journal of Aging studies*, 11, 131-152. Retrieved for world wide web. <http://www.sciencedirect.com>.

Bar-on, R., & D. A. Parcker, J. (Eds.). (2000). *The Handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace*. San Francisco, California: Jossey-Bass.

Crawford, R. (2002). *What is religion?* London and New York: Routledge.

Granacher, JR, R. P. (2000). Emotional intelligence and the impacts of morality. Retrieved for world wide web. <http://www.Info.com>.

Halstead, G. (2003). Emotional Intelligence guides church people in caring for one another. Retrieved for world wide web. <http://www.Google.com>.

Kerjeie, R. V., & Morgan. D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurment* 30, 607-610.

Maltby, J., & Day, L. (2004). Should never the twain meet? Integrating models of religious personality and religious mental health. *Personality and Individual Differences*, 36, 1275-1290. Retrieved for world wide web. <http://www.sciencedirect.com>.

Moriarty, N., Stough, C., Tidmarsh, P., Eger, D., & Dennison, S. (2001). Deficits in emotional intelligence underlying adolescent sex offending. *Journal of Adolescence*, 24, 743-751. Retrieved for world wide web. <http://www.sciencedirect.com>.

Nonnemaker, J. M., McNeely, C. A., & Blum, R. W. (2003). Public and private domains of religiosity and adolescent health risk behaviors: Evidence from the National Longitudinal Study of Adolescent Health. *Social Science & Medicine*, 57, 2049-2054. Retrieved for world wide web. <http://www.sciencedirect.com>.

Smith, H. C. (1973). Sensitivity training. New York: McGraw-Hill.

Stratton, C. W., & Reid, M. J. (2003). Treating conduct problems and strengthening social and emotional competence in young children: the dinosaur treatment program. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 3, 130.

Trinidad, D. R., Unger, J. B., Chou, C. P., & Johnson, C. A. (2004). The protective association of emotional intelligence with psychosocial smoking risk factors for adolescents. *Personality and Individual Differences*, 36, 945-954. Retrieved for world wide web. <http://www.sciencedirect.com>.

زیرنویس‌ها

1. Emotional intelligence
2. Religious deed status
3. Emotion quotient –intelligence
4. Reliability
5. Validity
6. Cronbach Alpha method
7. Split-half method
8. Parallel form
9. Strict parallel form